**سفیر شایسته ولایت**

**آشنایی حاج قاسم صادقی با حاج حسین همدانی از همان دوران دفاع مقدس شروع می شود و تا زمان شهادت «حبیب سپاه» ادامه پیدا می كند.**

این رفاقت و دوستی دیرینه خاطرات مشترك زیادی را رقم زد كه حالا در نبود شهید همدانی، می توان دقایقی با همرزمش گپ و گفتی كرد و این خاطرات را مرور كرد. صادقی كه بیشتر از هر چیزی دست روی خاكی بودن سردار همدانی می گذارد، در روز چهلم شهید از ویژگی های اخلاقی و نحوه فرماندهی حبیب سپاه می گوید كه در ادامه می خوانیم.

**شما و شهید همدانی از قدیمی های جبهه و جنگ بوده اید. آشنایی شما با ایشان از همان دوران دفاع مقدس شكل گرفت یا بعدها با سردار همدانی آشنا شدید؟**

من از همان زمان جنگ كه به عنوان آچار فرانسه در لشكر 27 بودم با سردار همدانی آشنا شدم. زمانی هم كه ایشان فرمانده تیپ انصارالحسین شد در عملیات ها همدیگر را ملاقات می كردیم و این آشنایی تا زمان شهادتشان ادامه پیدا كرد. بعد از جنگ با هم مراوده كاری نداشتیم تا اینكه ایشان فرمانده لشكر 27 حضرت رسول شد. فرماندهی كل سپاه به این نتیجه رسیده بود چون آقای همدانی در عملیات فتح المبین به عنوان مسئول محور یار و یاور حاج احمد متوسلیان بوده كسی را به عنوان فرمانده لشكر بگذارند كه با خصوصیات اخلاقی بچه های تهران و به ویژه بچه های سپاه حضرت رسول سازگاری و آشنایی داشته باشد. اگر اشتباه نكنم سال 80 فرمانده لشكر حضرت رسول شد. من در امور مختلف به ویژه در خصوص خانواده شهدا و جانبازان مشاورش بودم. در این رابطه هرگاه می گفتم رفتم وضعیت خانواده شهیدی را دیدم دیگر اصلاً سؤال نمی كرد فقط می گفت بگو من چه كار باید بكنم. مثلاً اگر مشكل مالی یك خانواده مطرح می شد بلافاصله دستورش را می داد. وقتی به یك نفر اعتماد پیدا می كرد تا زمانی كه سلب اعتماد نمی شد ایشان در عملی كه باید انجام می داد محكم بود. آدمی خوش بین و خوش نظر بود. بعضی اوقات از این طرف و آن طرف می آمدند پیش حاجی و گلایه می كردند و ایشان به من می گفت ساواكی ها از جمهوری اسلامی حقوق می گیرند. یعنی كارمند زمان شاه از روی لطف و بركت نظام جمهوری اسلامی نان می خورد و اگر یك جانباز یا خانواده شهید و رزمنده چیزی خواست تنگ نظری نكنید و كارشان را راه بیندازید. برای همین بود كه محبوب دل ها شد. من معتقدم شهید همدانی محبوب تر از حاج همت و حاج احمد متوسلیان شد. چون ایشان 30 سال پس از شهادت آنها تجربه و علم بیشتری پیدا كرد و به همین دلیل همه لشكر او را دوست داشتند.

**خاطرتان هست در بدو ورودشان چه اقدامات دیگری در لشكر انجام داد؟**

موقعی كه ایشان وارد لشكر شد برای حفظ بیت المال به تمامی مسئولان رده ها وام داد تا از ماشین بیت المال استفاده نكنند و برای خودشان ماشین بگیرند. یادم است 50، 60 ماشین را از مسئولان گرفت و در پاركینگ گذاشت. می گفت به این می گویند حفظ بیت المال. شهید سعید مهتدی هم دقیقاً چنین ویژگی هایی داشت. به آشپزخانه می رفت و می پرسید امروز چند غذا پخته اید؟ و اگر غذایی اضافه می آمد برخورد می كرد و می گفت مگر شما آمار ندارید كه اضافه می پزید. می گفت با معاونت نیرو هماهنگ كنید و آمار روزانه بگیرید بعد غذا بپزید. یادم است شهید مهتدی برای یك غذا كه اضافه می آمد یا دور ریخته می شد ناراحت می شد. همدانی هم به خاطر چنین ریزه كاری هایی كه كمتر كسی می بیند همدانی شد. تدبیر و مدیریت و خلاقیتش او را نسبت به دیگر فرماندهان شاخص كرده بود.

اگر حرف ولایت نبود كه كسانی كه مدرج شده اند باید با درجه به جاهایی كه نظام نیاز دارد بروند ایشان باز با لباس خاكی و بدون درجه خدمت می كرد

**انگار ایشان همان روحیات زمان جنگ را دست نخورده همراه خودشان نگه داشته بود؟**

اگر حرف ولایت نبود كه كسانی كه مدرج شده اند باید با درجه به جاهایی كه نظام نیاز دارد بروند ایشان باز با لباس خاكی و بدون درجه خدمت می كرد. ایشان كشتی گیر بود و به دلیل مشكلات مالی نتوانست ادامه دهد. یك مدت راننده اتوبوس بود و در خط تهران - همدان كار می كرد. از صفر شروع كرد. بچه یتیم و خودساخته بود. بسیار تواضع داشت. خاكی بودن نشانه ای از خودسازی است. خودسازی هم از حلال خوری می آید و حلال خوری هم از آموزشی است كه شخص در خانواده می بیند. چون پدر شهید همدانی از كارگران شركت نفت بود تا سه سالگی در آبادان سكونت داشت. فامیلی اصلی شان شكوهی بوده كه بعداً متقی نیا و همدانی می شود. سال 66 قرار بود یك عملیات برون مرزی در خارج كشور انجام شود كه 20 روز به طول انجامید. ایشان از همان زمان دنبال شهادت در برون مرز بود نه در درون مرز. در آن سفر بچه هایی كه همراه سردار بودند با او شوخی می كردند و خیلی بهشان خوش گذشته بود. در سفر خیلی خوش مشرب و دست و دلباز بود.

**به همین دلایل نیروهایشان انقدر دوستشان داشتند؟**

فرمانده فهیمی بود. در كنار فهیم بودنش عمل می كرد. یك زمان فرماندهی فهیم هم هست ولی عمل نمی كند. بعضی از فرماندهانمان مثل درخت بی ثمر هستند. این فرمانده مثل درخت پرباری سر به زیر بود. وارد مجلس و جلسه ای می شد منتظر نمی ماند گارد پیشقراول بیاید و می رفت انتهای جلسه می نشست. همت و كریمی و سلیمانی و مهتدی و سید مجتبی هاشمی هم چنین ویژگی های اخلاقی داشتند.

**شهید همدانی را می توان یك چهره فراجناحی كه وابستگی خاصی به جناح و حزب خاصی نداشت و فقط در خط ولایت حركت می كرد به شمار آورد؟**

كاملاً درست است به طیف سیاسی خاصی تكیه نمی كرد و فقط می گفت مقام معظم رهبری و بیانات حضرت امام. در فتنه 88 همسر یكی از شهدای معروف به ایشان گفت آقای همدانی به جبهه ما بپیوندید. ایشان انقدر رازنگهدار بود كه حتی این موضوع را به كسی بیان نكرد. سنگ صبور خانواده شهدا و جانبازان و رزمندگان بود. كتمان سِر می كرد و سِر را در دلش نگه می داشت و پیش كسی فاش نمی كرد. چنین نكات اخلاقی را من كمتر در فرماندهان دیده ام. با توجه به اینكه ایشان جانشین نیروی سپاه بود آمد و فرمانده لشكر بود. خیلی ها وقتی جانشین نیرو می شوند توقع دارند فرمانده نیرو شوند ولی ایشان به دلیل تواضع و خضوعش پذیرفت كه پایین تر كار كند. نه اینكه توان نداشت بالاتر برود بلكه خودش می گفت من می توانستم بالاتر بروم ولی دیدم هر چه بیشتر به پایینی ها برسم بهتر از این است كه بالا بروم. اعتقاد داشت بیشتر می تواند با پایینی ها تعامل داشته باشد. می گفت با بالایی ها برای پایینی ها چك و چانه می زنم. كوته فكر نبود و برای هركارش آینده نگری داشت.

**با همین روحیات هم به سوریه رفتند؟**

همین روحیه باعث شد كه فرماندهی كل سپاه به این نتیجه برسد فرماندهی باید برای جمع آوری نیروهای مردمی به سوریه برود كه بتواند با آنها سازگاری داشته باشد و بتواند آنها را به سبك بسیجیان خودمان در بیاورد و آموزش دهد. چند سال پیش سردار همدانی دو سال تمام در سوریه برای آموزش نیروها حضور داشت. ایشان توانست روحیه بسیجی گری را در جوانان سوری زنده كند. همین می شود صدور انقلابی كه امام می گفت. مبدع صدور انقلاب در حركات و سكنات سردار همدانی متبلور بود. شهید همدانی یكی از سفیران امام خمینی برای صدور انقلاب بود. همدانی آن روحیه را از زمان امام خمینی حفظ كرد، ادامه داد و وقتی به مقام معظم رهبری رسید پخته تر و كارآمدتر شد. مقام معظم رهبری به همین دلیل فرمودند خلوص سردار همدانی باعث شد كه خداوند بركت و اجر خلوصش را در تشییع پیكرش بدهد.

**شهید همدانی با شهادتش محبوبیتش دو چندان شد و عموم مردم بیشتر متوجه ایثار و كارهایی كه انجام داده بود شدند؟**

این یك قاعده است كه كسانی كه پركارند و كم حرف بعداً شناخته می شوند. می گویند بعضی مسائل را زمان حل می كند و شما دنبال حل كردنش نباشید. زمان هم حسین همدانی را به عموم مردم شناساند.

**در بحث اطلاعات و شناسایی توانایی های زیادی داشتند؟**

این به دیدگاه اعتقادی شان برمی گردد. یك زمان یك نیروی اطلاعاتی به منطقه ای می رود و فقط اطلاعات كسب می كند ولی شخص دیگری به همان منطقه می رود و علاوه بر جمع آوری اطلاعات تجزیه و تحلیل و موشكافی می كند و گزارش می دهد. سردار همدانی هم دقیقاً چنین هنر و توانایی ای داشت. تجزیه و تحلیل می كرد و راهكار می داد. مصلحت بردار نبود. یك بار به سردار جعفری گفتم اگر جای شما بودم سردار همدانی و حاج احمد كوثری را داخل چرخ گوشت می ریختم و یك فرمانده مقتدر دست و دلباز به وجود می آوردم. گفت چرا؟ گفتم حاج احمد كوثری دیسیپلین خوبی دارد ولی دست و دلباز نیست همدانی دست و دلباز است ولی دیسیپلین كوثری را ندارد. نه اینكه نظم را دوست نداشت بلكه همیشه مرتب و گت كرده بود ولی اسیر تشریفات نمی شد. بعضی از فرماندهان اسیر عِده و عُده هستند.

**آخرین دیدارتان با شهید همدانی چه زمانی بود؟ نسبت به اتفاقات پیش آمده در سوریه چه نظری داشتند؟**

چند روز قبل از شهادتش دیدمشان و با هم صحبت كردیم. بچه ها به ایشان می گفتند حاج آقا ما را هم اعزام كن و سردار می گفت اعزام به آنجا لزوم ندارد چون ما آنجا نیرو به عنوان رزمنده نمی خواهیم چون سوری ها الان طوری آموزش و تربیت یافته اند كه 60، 70 هزار نفر در نوبت اعزام هستند. سردار همدانی در این مدت انقدر كار كرده بود كه آنها مثل زمان جنگ خودمان كه ماشین برای بردن نیروها كم می آمد شده بودند. همان حرف امام كه اسلام مرز ندارد شده بود. شهید همدانی متعلق به ایران نبود و به تمام جهان اسلام تعلق داشت. سردار همدانی و قاسم سلیمانی برای تمام جهان اسلام هستند. با اینكه ایرانی هستند ولی به تمام جهان اسلام تعلق دارند.

**نبود شخصیتی مثل سردار همدانی خلل در برنامه و اهداف برون مرزی ایران وارد نمی كند؟**

به هرحال وجود چنین افرادی یك نعمت است. در یك خانواده هم اگر پدری از دنیا برود جای خالی اش حس می شود. البته اگر پسرها پخته و كارآزموده باشند جای پدر را می گیرند. تفكر بسیجی كه حضرت امام پایه گذاری كرد با وجود شخصیتی مثل شهید همدانی احیا شد. حضرت امام معتقد بود كه باید بسیج جهان اسلام را مقابل بسیج جهان كفر به وجود بیاوریم. این كار، میراث و یادگار بزرگ ایشان است كه همیشه ادامه خواهد داشت. میراث همدانی زنده است. شهید همدانی گاهی می گفت دیگر باید لشكرها را به جوانان بدهیم و خودمان كارهای مشاوره ای بكنیم.

*منبع : روزنامه جوان*